

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۹/۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۳/۱۹

دکتر مجتبی رفیعیان^۱، دکتر راضیه رضازاده^۲، مهسا سیفایی^۳، یزدان احمدوند^۴

سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) موردپژوهی میدان نبوت تهران

چکیده

فضاهای عمومی شهری امروزه، جایگاه بااهمیتی در برنامه‌های توسعه شهری یافته‌اند. این امر ناشی از تأثیر این فضاها در تقویت وجهه فرهنگی- اجتماعی شهر و در نتیجه تولید سرمایه‌های اجتماعی است. از آنجا که ساکنان شهرها در استفاده از این فضاها حقوق برابر دارند، لذا ایجاد فضاهایی مناسب و مطلوب برای تمامی گروه‌های سنی و جنسی و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر نظیر کودکان، زنان، سالخوردگان و ناتوانان جسمی، بخشی از وظایف برنامه‌های توسعه شهری قلمداد می‌شود. مطالعات گسترده جهانی نشان می‌دهد ایجاد چنین فضاهایی در شهر جدای از ایجاد کنش اجتماعی، از حاشیه‌نشین شدن گروه‌های خاص در استفاده از فضاهای عمومی شهر کاسته و زمینه را جهت تعامل اجتماعی و بازتولید فرهنگ اجتماعی شهر فراهم خواهد کرد. در این مقاله با تأکید بر ضرورت حضور مؤثر گروه‌های اجتماعی خاص، تلاش شده است با بررسی یک فضای عمومی شهری (میدان نبوت) میزان مطلوبیت این فضای شهری، جهت حضور زنان مورد بررسی قرار گیرد. روش بررسی بر طراحی پرسشنامه، مصاحبه عمیق برای تدوین پرسشنامه‌ها و در نهایت تحلیل آماری داده‌ها استوار بوده است. سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی شهری بر میزان اجتماعی‌شدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان از جمله موارد مورد بررسی در این مقاله است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نظر زنان اجتماع‌پذیربودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد.

واژه‌های کلیدی: مطلوبیت سنجی، فضاهای عمومی شهری، گروه‌های خاص اجتماعی، زنان، تهران

۱. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران

Email: m_rafieian@modares.ac.ir

Email: Rezazadeh@iust.ac.ir

Email: mah_seifaei@yahoo.com

Email: yazdanahmadvand@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، شهر تهران، استان تهران

۳. کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران

۴. کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران، استان تهران

۱. مقدمه

بشر همواره با ایجاد ساختارهایی در شهر، نیاز ذاتی خود را به برقراری روابط اجتماعی برآورده کرده است. این فضاها از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ایجاد روابط چهره به چهره انسانی را، در درون اجتماع شهری و کالبد سازمان‌یافته آن فراهم می‌آورند. در این میان فضاهای عمومی شهری در شکل‌گیری تصویر ذهنی و هویت‌بخشی به شهرها، نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند. این فضاها عملاً چهره‌ظاهری شهر را به نمایش می‌گذارند. در این تحقیق تلاش شده است با بهره‌گیری از رویکردهای فضایی / اجتماعی به فضاهای عمومی شهری، مقوله معطوف به عدالت فضایی گروه‌های جنسی در دسترسی به این فضاها و بهره‌گیری فعال از آنها (اعم از گروه‌های مختلف سنی و جنسی) مورد بررسی قرار گیرد. بدین‌منظور در ادامه ضمن ارائه تعاریفی مختصر از فضاهای عمومی شهری و معیارهای کارآمدی آن در ادبیات جهانی، با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و ارائه اطلاعات و تحلیل‌های آماری به محدودیت‌ها و نیازهای زنان در این فضاها (نمونه مطالعاتی در تهران) پرداخته خواهد شد.

۲. فضاهای عمومی شهری: ملاحظات نظری



فضای شهری مفهومی متعالی‌تر از یک فضای معمولی و ساده دارد به‌گونه‌ای که علاوه بر دربرگرفتن خصیصه‌های کلی یک فضا، معیارهای زیبایی‌شناختی و ارزش‌های متفاوت اقتصادی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. یک فضای شهری متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، ممکن است خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند (Golany, 1996: 81). فضای شهری می‌تواند، بسته به میزان همخوانی و همنوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق

و تناسب با نیازهای روزمره گروه‌های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، از میزان مطلوبیت بالاتری برخوردار شود. فضاهای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مترتب بر آن نیز محسوب می‌گردد.

در حالت کلی، فعالیت‌های عمومی انسان در جامعه سه طیف متفاوت را شامل می‌شود (Gehl, 1987: 32): دسته اول فعالیت‌های ضروری و با اهمیت است که تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و ارتباط خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت‌هایی نظیر رفتن به محل کار، یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرد. این طیف از فعالیت‌ها درجات متفاوتی از مشارکت اجتماعی را می‌طلبند. دسته دوم فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شود فعالیت‌های گزینشی و انتخابی است که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد، ضرورت وقوع در فضای عمومی پیدا می‌کند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان‌های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب و دیدنی جزء فعالیت‌های انتخابی و موردی به‌شمار می‌آید. دسته سوم فعالیت‌های اجتماعی است که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را در بر می‌گیرد. این فعالیت‌ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت‌ها و فضای اجتماعی، فعالیت‌های نهایی نیز خوانده می‌شوند. شرایط خاص فضاها جهت توقف طولانی، نشستن، خوردن، بازی کردن و ... عاملی است که این فعالیت‌ها را

شرایط مساعد	شرایط نامساعد	
0	0	فعالیت‌های ضروری
0	0	فعالیت‌های انتخابی
0	0	فعالیت‌های اجتماعی

جدول شماره ۱: اندازه فعالیت‌ها در فضاهای مساعد و نامساعد، (مأخذ: Gehl, J. 1987)

تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در آن دسته از فضاهای عمومی شهری که فاقد جنبه‌های لازم کالبدی و غیرکالبدی جهت تقویت روابط اجتماعی است، فقط مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. برعکس در فضاهایی از شهر که از این جهات غنی است، سطح وسیع و میزان بالایی از فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. جدول شماره ۱ اندازه فعالیت‌های سه‌گانه را در فضاهایی که فاقد و دارای شرایط است، نشان می‌دهد.

مطلوبیت هر فضای شهری به ویژه برای برخی از انواع فعالیت‌ها، همچنین به درجه برداشت و ادراک نیازهای فرد استفاده‌کننده نیز بستگی دارد. به عبارت دیگر ممکن است یک فضای شهری از دید گروهی از افراد اجتماع مناسب و مطلوب و از منظر طیف دیگری نامناسب تلقی شود. نکته با اهمیت، وجود شرایط برابر جهت استفاده افراد مختلف از فضاهای شهری است. امروزه این اصل پذیرفته شده است که کلیه شهروندان باید در دسترسی به فضاها و امکانات شهری و استفاده از آنها دارای فرصت‌ها و شرایط برابر باشند؛ لذا محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص در فضای شهری از دیدگاه حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی بسیار مورد بحث واقع شده است. فضای عمومی شهری به همان نسبت که می‌تواند در توسعه عدالت اجتماعی راهگشا باشد، در صورتی که دقت کافی در برنامه‌ریزی و طراحی آنها صورت نپذیرد، می‌تواند عاملی در جهت تعمیق نابرابری‌های اجتماعی نیز باشد (رفعیان، ۱۳۸۱: ۳). به عبارتی استفاده از فضاهای عمومی تجربه‌ای است که برای تمامی افراد یکسان نیست؛ چرا که متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثرگذار است.

در سال‌های اخیر روش‌های متفاوتی در تحلیل فضاهای شهری مورد استفاده قرار گرفته که علی‌رغم تفاوت‌های موضوعی، به نوعی مکمل هم هستند. از دیدگاه اجتماعی-فرهنگی، فضاهای عمومی به عنوان مکان‌هایی جهت تقویت مناسبات و روابط بیرونی، تعاملات، تغییرات و رویارویی‌های اجتماعی بوده و همچنین به عنوان مکان‌هایی تعریف می‌شود که گروه‌های مختلف با خواست‌ها و علایق متفاوت گرد هم جمع می‌شوند (Borja, J and Muxi, Z, 2001). فضاهای عمومی همچنین به عنوان «فضاهای آزاد اجتماعی» هم تعریف می‌شوند چرا که این فضاها "جهت استفاده‌های مختلف، طراحی و برنامه‌ریزی شده است، نظیر: استفاده‌های غیرقابل پیش‌بینی، انجام فعالیت‌های متنوع و تمایل شهروندان در جهتی که این فضاها برای برآورده کردن خواسته‌هایشان هموار کنند و از این امر منتفع شوند" (Walzer, 1986). از دیدگاه کالبدی، فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی باز و قابل دسترس است که در تقابل با فضاهای خصوصی-جایی که دسترسی به آن محدود و کنترل شده است- قرار می‌گیرد (Chelkoff, G and Thibaud, JP, 1992, 1993). فضاهای عمومی این قابلیت را نیز دارد که به عنوان نتیجه حاصل از مشارکت و تعامل گروه‌های اجتماعی « [۱] مطرح شود (Francis, 1989). این فضاها عناصر اصلی در زندگی شهری را، که منعکس‌کننده فرهنگ، عقاید و

ارزش‌هاست، ارائه می‌نماید. هرچند نقش فضاهای عمومی در روان‌سازی الگوی زندگی شهری کاملاً مشهود و مشخص است، لیکن مجدداً اشاره می‌شود که کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان‌ها و فضاهای باز، شرطی لازم برای حیات بانشاط اجتماعی است تا مردم از مراسم اجتماعی و حضور در محیط‌های عمومی لذت ببرند (Rogers, W, 2003).

بدین ترتیب، به‌طور خلاصه می‌توان فضای عمومی را چنین تعریف کرد: "فضای عمومی شهری بخش‌هایی از شهر، شامل محیط طبیعی و یا مصنوع مانند: خیابان‌ها، میادین و مسیرهایی عمومی در مناطق مسکونی، تجاری و محله‌ها، فضاهای باز و پارک‌ها و فضاهای خصوصی / عمومی است که عموم مردم به‌راحتی به آنها دسترسی کامل داشته و یا حداقل دسترسی به آنها در ساعاتی از روز آزاد باشد (رفعیان، ۱۳۸۱: ۹). فضاهای شهری از آنجایی که فضاهایی برای زندگی و تفریح ایجاد می‌کند وظایف مهمی را عهده‌دار است؛ از یک بعد با اهمیت، تصویر شاخص شهر به این فضاها بستگی دارد. اگر تصویر این فضاها خشن، نفرت‌انگیز و یا یکنواخت باشد تأثیر نامطلوبی بر تصویر ذهنی شهروندان خواهند گذاشت. فضاهای شهری وظایف مهم دیگری نیز بر عهده دارد که ایجاد زمینه مناسب برای ارتباطات و ملاقات از شناخته‌شده‌ترین آنهاست؛ همچنین وظیفه بسترسازی مناسب برای تقویت و بهبود تعاملات اجتماعی جامعه مختص فضاهای عمومی شهری است. و یا در یک تلقی دیگر، کارکرد اساسی این فضاها، ممکن است تمام فعالیت‌های دیگر از قبیل عبور و مرور، تفریح و مبادلات اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بدین اعتبار می‌توان فضای عمومی شهری را ابزاری جهت تقویت ارتباطات اجتماعی شهر، مکانی جهت رویارویی، مدیریت کارکردی و همچنین هماهنگ کننده الگوهای رفتاری شهروندان دانست (Parks, 2003: 8).

از طرف دیگر فضاهای عمومی شهر در ایجاد و تقویت حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک کرده و باعث افزایش همبستگی در اجتماع شهری نیز می‌شود. در حقیقت این‌گونه فضاها، فراتر از مکان‌هایی صرفاً برای تفریح تلقی می‌شود (Braza M, 2003). همان‌طور که گودمن نیز بیان می‌کند این مکان‌ها عناصر حیاتی محیط ما هستند که دارای عملکردهای مثبت و ضروری برای اجتماع شهری هستند (Goodmann, W, 1968). روجرز (Rogers, W, 2003) نیز معتقد است که شهرهای بزرگ را اغلب به فضاهای عمومی وسیع‌شان می‌شناسند و حتی یکی از ابزارهای سنجش کارایی و اهمیت شهرها، توانایی آنها در فراهم آوردن تفریح و سرگرمی، زیبایی‌های طبیعی و فضاهای عمومی مؤثر و کارآمد برای شهروندان‌شان است.

۳. ویژگی‌های کارآمدی و مطلوبیت فضای عمومی شهری

فضاهای عمومی شهری «کارآمد» و یا به عبارتی دیگر «موفق»، فضاهایی است که افراد با ویژگی‌های مختلف سنی و جنسی، بتوانند با حضور در این فضاها خواسته‌های خود را محقق سازند و فعالیت‌های متنوع مورد نیازشان را برآورده نمایند. البته دامنه دریافت پاسخ‌ها از یک فضای عمومی، بسته به ماهیت غالب و شخصیت حاکم بر آن فضا، می‌تواند بسیار گسترده و متفاوت نیز باشد. محققین با بررسی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری در شهرهای مختلف جهان دریافته‌اند که موفق‌ترین و کاراترین فضاهای عمومی شهری دارای ۴ مؤلفه اساسی کیفیتی‌اند: اول اینکه این فضاها در دسترس هستند [۲]، دوم اینکه افراد در آنها درگیر فعالیت می‌شوند [۳]، سوم اینکه از راحتی [۴] و آسایش انسانی برخوردار بوده و دارای مناظر زیبایی نیز هستند، و چهارم اینکه مکانی اجتماعی [۵] نیز تلقی می‌شوند؛ یعنی جایی که افراد می‌توانند یکدیگر را ملاقات کرده و دامنه ارتباطات اجتماعی خود را وسعت بخشند.

بر حسب نظر پاساگولاری (Pasaogullari, N; Doratli, N, 2004) دسترسی به فضاهای عمومی در شهر، مطلوبیت آنها و ساختار فیزیکی و کارکردی‌شان، از جمله مسائلی است که به‌طور محسوسی از رشد سریع شهری اثرات منفی پذیرفته است. فضاهای عمومی شهری معمولاً در مقایسه با رشد اقتصادی شهرها، که به آستانه‌های بالاتر رفاهی انجامیده است، باید راه طولانی‌تری را بپیمایند تا به استانداردهای مورد نیاز برای برآورده‌سازی نیاز عمومی جامعه شهری برسند. در شهرهای به‌سرعت توسعه‌یافته، فضاهای عمومی عموماً با تغییر در ساختار فیزیکی خود مواجه‌اند، به‌طوری که از معنا و اهمیت آنها کاسته شده و به‌تبع آن میزان مطلوبیت‌شان نیز شروع به افول کرده است. تجارب مطالعاتی صورت گرفته نشان می‌دهد که یکی از فاکتورهای مؤثر در افزایش میزان مطلوبیت و بهبود تعاملات اجتماعی در یک فضای عمومی شهری، دسترسی مناسب افراد به آنها، در زمانهای مختلف و از مکانهای متفاوت شهری است. [۸] در این معنا دسترسی: "آزادی یا توانایی افراد جامعه برای پاسخگویی به نیازهای ابتدایی و اساسی‌شان در جهت تقویت و پایدار نگهداشتن کیفیت زندگی‌شان" (Lau, J C Y and Chiu, C C H, 2003) تعریف می‌شود. در همین زمینه برتولینی و دجیست (Bertolini, L and Djist, M, 2003:70) معتقدند که یک فضای عمومی شهری قابل دسترس، فضایی است که نه تنها افراد مختلف زیادی می‌توانند به آن وارد شوند، بلکه جایی است که این افراد می‌توانند کارهای متنوعی را نیز در آن انجام دهند. در این بیان، چنین فضایی نه فقط یک گره شهری [۷] قابل دسترس از نظر سهولت ارتباط مکانی است، بلکه فضایی قابل دسترس برای همه افراد در بعد اجتماعی نیز تلقی می‌شود. دسترسی فیزیکی و روانی به این فضاها، به‌عنوان یکی از نکات اصلی برنامه‌ریزی تمام فضاهای عمومی شهری قلمداد می‌شود. گودمن هم اشاره می‌کند که این فضاها می‌توانند علاوه بر ایجاد فرصت‌های متنوع دسترسی به نیازهای اجتماعی برای مردم، به ابزاری جهت افزایش کیفیت زندگی در محیط‌های شهری نیز تبدیل شوند (Goodmann, W, 1968:28).

حتی در شکلی متکامل‌تر مطابق نظر تالن (۲۰۰۰)، دسترسی به انواع فضای عمومی شهری می‌تواند به‌عنوان شاخص پراکندگی [۸] فضای عمومی در شهر، مورد اندازه‌گیری قرارگیرد. در نگاه تالن فضاهای پراکنده [۹] عمومی شهری بیش از فضاهای متمرکز [۱۰] از مطلوبیت برخوردارند چرا که از وضعیت دسترسی مطلوب‌تری بهره‌مند هستند. دسترسی و پراکندگی، با اندازه‌گیری میزان دسترسی به فضا سنجیده می‌شود. برحسب نظر وایت (Whyte, 2000:52) در دسترس بودن یک فضای عمومی (به‌واسطه ارتباطات آن فضا با محیط اطرافش، هم از بعد فیزیکی و هم از بعد بصری) می‌تواند به‌عنوان یک شاخص مورد قضاوت قرار گیرد. یک فضای عمومی شهری موفق فضایی است که به راحتی بتوان به آن داخل یا از آن خارج شد؛ از مسافت دور تا زمانی که به آن نزدیک می‌شوید، قابل رؤیت باشد. خیابان هم برای تعامل اجتماعی و هم دسترس‌پذیری فضای عمومی شهری عامل مؤثری تصور می‌شود. برای مثال، خیابان‌های محلی از خیابان‌های شریانی مطلوب‌ترند و وجود پیاده‌رو به‌عنوان راهی جهت ارتباط بین فضاهای خصوصی و عمومی اهمیت بیشتری دارد (Talen, E, 2000). محققین همچنین دریافته‌اند که در دسترس بودن وسایل حمل و نقل عمومی مرتبط با یک فضای عمومی شهری و یا داشتن وسایل نقلیه خصوصی می‌تواند به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده و ارتقاء دهنده میزان مطلوبیت شاخص دسترسی به فضاهای عمومی، محسوب شود (Lau, J C Y and Chiu, C C H, 2003).

پس در یک بیان کلی می‌توان چنین اظهار داشت که "یک فضای عمومی باید برای همه افراد با هر سطح درآمد، و با هر محدودیت فیزیکی، صرف‌نظر از این‌که در آن نواحی ساکنند یا نه، قابل

دسترس (اجتماعی/فیزیکی) بوده، و آن فضا باید بتواند با خصیصه‌های موجود در خود امکان حضور مساوی تمامی ساکنین و استفاده‌کنندگان شهری را متناسب با نیازهای اجتماعی‌شان فراهم آورد. به‌عنوان نمونه برای تأمین دسترسی نباید تنها شرایط ایده‌آل نوجوانان در نظر گرفته شود، بلکه نیازهای افراد مسنی را که از لوازمی همچون عصا استفاده می‌کنند، یا مادرانی که همراه با کالسکه کودکانشان وارد این فضا شده و یا کودکانی که تمایل دارند به فعالیت‌های ساده‌ای نظیر دوچرخه‌سواری در این فضاهای اجتماعی عمومی شهری بپردازند، نیز در نظر گرفته شود" (Hernik, P, 2003). در مقابل می‌توان گفت که دسترسی ضعیف و ناکارآمد افراد به فضا یکی از موانع عمده در مطلوبیت و میزان استفاده از فضاهای عمومی شهری است. ارکیپ با تأکید بر این نظر، عوامل متعددی را نظیر: دسترسی‌پذیری، سطوح ازدحام [۱۱]، میزان راحتی و آسایش، متنوع بودن فعالیت‌ها و تسهیلات موجود در فضا و همچنین شاخص‌های کیفی معینی را نظیر: امنیت، جاذبه‌های فیزیکی، حفاظت و ملاحظات زیبایی‌شناختی [۱۲] برای استفاده و ایجاد رضایت خاطر استفاده‌کنندگان از فضای شهری بسیار مؤثر می‌داند (Harty and Dunn, 1971: 41). و (Massam, 1975). این موارد را می‌توان با استفاده از روش‌های مختلفی مورد تحلیل و سنجش کیفی و کمی قرار داد (جدول شماره ۲).

تئوری	موردی که باید اندازه‌گیری شود	روش
پراکنندگی (پخشایش): فضاهایی که به‌طور پراکنده قرار گرفته‌اند، ارجحیت بیشتری نسبت به فضاهای متمرکز دارند.	میزان تخصیص فضاهای عمومی به نسبت سایر کاربری‌ها و فاصله بین فضاهای عمومی و خانوارها	تهیه نقشه موقعیت، پرسش در مورد زمان سفر (از پرسشنامه)
مجاورت: زمانی که افراد در نزدیکی این فضاهای عمومی زندگی می‌کنند، دسترسی‌پذیری به این فضاها افزایش می‌یابد.	مجاورت	تعیین اینکه آیا فضاهای عمومی از خانه قابل رؤیت است یا نه (بر اساس پرسشنامه)
راه‌ها و ابزار دسترسی‌پذیری: ساختار فیزیکی و نوع خیابان‌ها بر دسترسی اثرگذارند. حمل و نقل عمومی و مالکیت اتومبیل منجر به افزایش دسترسی می‌شود.	نوع پیاده‌روهای خیابان‌ها مالکیت اتومبیل، حمل و نقل عمومی	بررسی نوع خیابان‌ها از نظر دسترسی‌پذیری بررسی کیفیت پیاده‌روها و حمل و نقل عمومی بررسی میزان مالکیت اتومبیل و اثرات آن بر دسترسی

جدول شماره ۲: اندازه‌گیری دسترسی، (مأخذ: Pasaogullari, N; Doratli, N, 2004)

از نظر ارکیپ، شخصیت استفاده‌کنندگان هم، بر میزان مطلوبیت فضاهای عمومی شهری اثرگذار است مثلاً هنگامی که یک فضای عمومی با بهره‌گیری از خصیصه راحتی [۱۳] (شامل مواردی نظیر امنیت، پاکیزگی، موجود بودن مکان‌هایی جهت نشستن و ...) بتواند خود را به‌خوبی عرضه نماید و تصویر مناسبی در ذهن شهروندان ایجاد کند درواقع موفقیت و کارایی مناسب را کسب کرده است. مؤلفه حفاظت [۱۴] هم یکی از عوامل مهم در ایجاد مطلوبیت در فضاهای عمومی شهری موفق قلمداد

روش	موردی که باید اندازه گیری شود	تنوری
تعیین سطوح امنیت در فضاهای عمومی و عوامل اثرگذار بر امنیت	امنیت	راحتی: فضاهای راحت تصویر خوبی داشته و به‌طور کارا مورد استفاده قرار می گیرد.
بررسی نوع فعالیت ها و تسهیلات موجود در فضاهای عمومی	تنوع فعالیت ها و تسهیلات	کیفیت: تنوع فعالیت ها و تسهیلات در فضای عمومی از عمده ترین عوامل موفقیت در ساختار فضای عمومی محسوب می شود.
بررسی سطوح نگهداری از فضا و سیمای فیزیکی از خلال پرسشنامه (مشاهده و پرسشنامه)	حفاظت و پاکیزگی سیما (منظر)	ملاحظات زیبایی شناختی: جذابیت های فیزیکی و حفاظت مهمترین عوامل موفقیت فضای عمومی محسوب می شود.

جدول شماره ۳: اندازه گیری مطلوبیت، (مأخذ: Pasaogullari, N; Doratli, N, 2004)

می‌شود که منجر به دستیابی به آستانه‌های بالاتر راحتی و آسایش در این فضاها می‌گردد. این نکته‌ای است که عموماً در اکثر فرآیندهای طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی نادیده انگاشته می‌شود (Hines, 2001). بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که فعالیت‌ها پایه و اساس ایجاد یک فضا هستند. اینکه افراد کاری جهت انجام دادن داشته باشند، خود دلیلی بر حضورشان در یک فضای شهری می‌شود. وجود فعالیت‌های متنوع در یک فضا، که خصیصه تنوع و عمومیت به آن فضا بدهد باعث می‌شود که افراد فرصت‌های زیادی جهت مشارکت و حضور در آن داشته باشند (Whyte, 2000). گذشته از این، همانطور که دوفی (۲۰۰۳) نیز بیان می‌کند، یکی از مزایای فضاهای عمومی شهری این است که مکانی برای تمام افراد قلمداد می‌شود؛ بدین معنا که برای تمامی ساکنان جامعه محلی، در نظر گرفته شده و گروه‌های مختلف مردم با فعالیت‌های متنوع خود می‌توانند در آنجا گرد هم آیند. علاوه بر این، شکل ظاهری فضای عمومی هم بر استفاده‌کنندگان اثرگذار است (Hines, 2001). به گونه‌ای که توجه به راحتی، کیفیت فعالیتها و ملاحظات زیبایی‌شناختی به‌عنوان متغیرهایی جهت اندازه‌گیری مطلوبیت فضای عمومی شهری تعریف شده‌اند (جدول شماره ۳).



۴. زنان و فضاهای عمومی شهری

جدای از مباحث عمومی مرتبط با فضاهای عمومی شهری، با توجه به این‌که بیش از نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل داده و پذیرفتن نقش‌های جدید توسط زنان به دلیل افزایش فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌شان، رو به ازدیاد

است می‌توان ادعا نمود که حضور زنان در فضاهای شهری به یک الزام تبدیل شده است. بررسی فضاهای عمومی شهری با توجه به نیازهای گروه‌های جنسی (زنان) و افزایش و بهبود مطلوبیت این فضاها از یکسو و برقراری عدالت جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، از طرف دیگر می‌تواند به

بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور مؤثر زنان در تولید و بازتولید فرهنگی شهری منجر گردد. از نظر تاریخی بنا به دلایل بی‌شماری مردان بر بسیاری از روش‌های مطالعات شهری و کیفیت فضاهای عمومی اثرگذار بوده‌اند (Hayden, D, 2000 و McDowell, L و Greed, C, 1996). برنامه‌ریزی شهری، حرفه‌ای مردانه و مردسالارانه بوده است و لذا نظریه فضای عمومی شهری حاصل از فعالیت این حرفه، تا حد زیادی مشابه، همگن و فارغ از مسایل جنسیتی بوده است. درحقیقت فضاهای عمومی شهری در جهت پاسخگویی به نیازهای مردانه و یا حداقل فارغ از دغدغه‌های گروه‌های خاص اجتماعی ایجاد شده است. این در حالی است که امروزه تعداد زیادی از زنان خواستار وضع صحیح مشارکت در طراحی و برنامه‌ریزی شهری جهت تأسیس و تشکیل یک فضای عمومی شهری غیرجنسی [۱۵] شده‌اند (Bondi, L, و Sandercock, L and Forsyth, A, 2000). (Peak, L., 1998). مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهری در زندگی روزانه زنان، نسبت به مردان اثر بیشتری دارد. این امر از این حقیقت ناشی می‌شود که زنان دارای روابط بیشتر و نزدیک‌تری با محیط‌های شهری خود بوده، عموماً وقت زیادتری را خارج از خانه و در فضاهای اجتماعی شهری سپری می‌کنند و همچنین وظایفی را که بیشتر مربوط به امور خانوادگی است، انجام می‌دهند (مانند: بردن و آوردن بچه‌ها به مدرسه، همراهی کردن کودکان به مطب پزشکان، رسیدگی به فعالیت‌ها و برنامه تحصیلی کودکان و خرید و نظایر آن (Valentine, G, 1989 و Pain, RH, 1997 و Hernandez-Pezzi, C, 1998). ریشتر با بررسی برخی کتب معروف تاریخ شهر، دریافت که نقش زنان در ساخت شهرهای آمریکایی، به‌خصوص در جایی که ساخت و توسعه بافت‌های شهری مطرح بوده، بسیار اندک مورد اشاره و توجه قرار گرفته است (Madanipour, A, 1992). زنان همچون فقیران، سالخوردگان و اقلیت‌های قومی و حتی گروه‌های ناتوان اجتماعی خطری برای نظم پیش‌ساخته و تحمیل شده بر شهرها محسوب می‌شده‌اند.

نوشته‌های زیادی در مورد تجارب زنان در فضای عمومی شهری وجود دارد. در خلال دو دهه اخیر محققان، شیوه‌های حرکتی زنان، تفریحات و رفتارهای روزانه آنها را و به‌خصوص رفتارهایی که ناشی از مسئولیت‌های زنانه آنهاست و به‌واسطه جنسیتشان به آنها تحمیل شده، در طراحی و برنامه‌ریزی مدرن شهری مورد مطالعه قرار داده‌اند. بسیاری از تحقیقات رفتاری- محیطی موجود، محدودیت‌های مؤثر بر استفاده زنان از فضای عمومی شهری را مورد توجه قرار داده‌اند. جهت آشنایی بیشتر، این یافته‌ها در جدول شماره ۴ خلاصه شده است. محدودیت‌ها شامل محدودیت منابع (مانند محدودیت مالی)، احساسات منفی (مانند استرس و ترس)، مسئولیت‌های بازدارنده (مانند کارهای خانه و مراقبت از کودکان)، شرایط و هنجارهای اجتماعی محدود کننده (مانند هنجارهای جنسیتی محدودکننده، برنامه و طرح‌های افراطی) می‌باشد (Day, K, 2000). این محدودیت‌ها بسته به مکان، زمان و یا مدت استفاده، رفتار و حتی تجربه زنان از فضای عمومی شهری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. البته در مواردی لازم است که مجموعه‌ای از این محدودیت‌ها با هم ترکیب شود تا اثر خود را بر کاهش مطلوبیت از فضای عمومی شهری حادث نماید (Crawford, D. W. & Godbey, G., 1987). این محدودیت‌ها همچنین بر اساس مشخصه‌هایی نظیر نژاد/ قوم، طبقه اجتماعی، وضعیت تأهل، سن، دین و توانایی فیزیکی به‌طور متفاوتی تجربه می‌شوند. (جدول شماره ۴)

۵. روش‌شناسی

همان‌گونه که در مقدمه ذکر گردید این تحقیق به دنبال "سنجش میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری"

منابع محدود	
زمان محدود	کارهای خانه، وظیفه مراقبت از بچه‌ها، بر زمان و مدت استفاده از فضای عمومی شهری زنان اثرگذار است. زنان ممکن است که در تخصیص زمان استفاده از فضای عمومی شهری، برای دیگران حق تقدم قابل شوند.
پول محدود	زنان ممکن است با محدودیت مالی جهت بهره‌گیری از فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی شهری روبرو باشند؛ چرا که آنها: کارهای پاره وقت یا کارهایی با مزد کم را انتخاب می‌کنند، تا به مسئولیت‌های خانه و مراقبت از کودکان بپردازند و ترجیح می‌دهند که پول را برای دیگران خرج کنند و یا احياناً درکارهای سنتی مشغول هستند که بابت آنها دستمزد نسبتاً کمی دریافت می‌کنند.
تحرك محدود	مسئولیت کار خانه و مراقبت از بچه‌ها، منجر می‌شود که رفت و آمد زنان، با استرس، پیچیدگی، محدودیت در مسافت و زمان صرف‌شده بیشتری همراه شود. ترجیح زنان در توجه به رفع نیازهای دیگران، ممکن است دسترسی آنان را به ماشین‌های شخصی محدود کرده و اتکا آنان را به حمل و نقل عمومی افزایش دهد.
انزوا، تعامل اجتماعی محدود	انتخاب حومه‌ها توسط زنان، به‌عنوان محیطی ایده آل برای کودکان، ممکن است که انزوای زنان را در حومه‌ها تشدید کند و منجر به محدودیت تعامل اجتماعی زنان در فضای عمومی شهری شود چرا که این فضاها عموماً در مراکز درون شهری مستقر است.
فرصت‌های محدود	فرصت‌های استفاده زنان از فضاهای عمومی شهری، ممکن است توسط عوامل زیر محدود شوند: وظایف خانگی و مسئولیت مراقبت از کودکان؛ ترس از به مخاطره افتادن امنیت بچه‌ها.
فقدان خدمات	استفاده زنان از فضای عمومی شهری، با خدمات ناکافی، ناکارا و غیر مناسب (مراکز نگهداری از کودکان، حمل و نقل عمومی، سرویس‌های بهداشتی و تغذیه‌فروشی و...)، محدود می‌شود. که همین امر بار مسئولیت حفظ کودکان را سنگین‌تر می‌سازد.
احساسات محدودکننده	
استرس و تنش	رقابت و ستیزه بین نیازها و ترجیحات دیگران و زنان، استرس زنان را افزایش می‌دهد. مسئولیت کارهای خانه و حفاظت از بچه‌ها، تنش زنان را در فضای عمومی افزایش می‌دهد و لذا مانعی اجتماعی در جهت حضور آنها در فضای عمومی شهری است.
ترس	حس زنان مبنی بر این‌که در نظر دیگران "مطلوب" به نظر آیند، منجر به ایجاد ترس آنان در فضاهای عمومی شهری می‌شود که دارای تنوع گروه‌های اجتماعی است. مسئولیت زنان و مراقبت از کودکان، ممکن است منجر به افزایش ترس آنها در فضاهای عمومی شهری شود. رفتارهای مراقبتی دیگران که برای محافظت زنان صورت می‌گیرد، منجر به افزایش ترس‌شان شده و استفاده آنها را از فضای عمومی محدود می‌سازد.
مسئولیت‌های محدودکننده	
مسئولیت انجام کارهای خانه و سایر مواردی از این قبیل	استفاده زنان از فضاهای عمومی شهری، ممکن است به‌واسطه پذیرش مسئولیت‌های اولیه رسیدگی به امور خانه و خانواده (مانند نظافت، خرید و...) محدود شود. مسئولیت‌های رسیدگی به سایر امور (خرید هدیه، برنامه‌ریزی اوقات فراغت و تعطیل، نگهداری حیوانات خانگی و...)
مسئولیت مراقبت از کودکان	مسئولیت اولیه مراقبت از کودکان، ممکن است فعالیت‌های زنان در فضای عمومی را محدود کند
اوضاع و هنجارهای اجتماعی محدودکننده	
هنجارهای اجتماعی و جنسیتی محدودکننده	هنجارهای جنسیتی برای رفتارهای عمومی زنانه، که باعث ایجاد محدودیت‌هایی برای آنان می‌شود. ایده آرمانی زنان مبنی بر ارجح شمردن دیگران، زنان را تشویق می‌کند که نیازها و ترجیحات دیگران را در فضای عمومی مقدم شمارند. تفکیک حدود فعالیت (محیط‌های آرمانی، مسئولیت‌های خانگی زنان را افزایش داده و منجر به محدود شدن استفاده زنان از فضای عمومی می‌شود.

شرایط اجتماعی غیرمنصفانه و محدود کننده	استفاده زنان از فضای عمومی به دلیل کارکردن در مشاغل که مزایا و خدمات پایین با انعطاف پذیری محدودی دارد و زمان بندی غیرمنعطف کاری، که وظایف خانگی و مراقبت از بچه ها را در نظر نمی گیرد، محدود می شود.
قوانین و سیاست های عمومی افراطی و محدودکننده	فقدان خدمات عمومی برای نگهداری کودکان. تسلط گروه های خاص بر فضا، استفاده زنان از فضای عمومی شهری را محدود می کند.
برنامه ریزی و طراحی محدودکننده و مفرط	طرح ها و برنامه هایی که مسئولیت زنان را نگهداری فرزندان و خانه فرض می کند (مانند منطقه بندی عملکردی، طراحی و برنامه ریزی هایی که مسئولیت مراقبت از بچه ها و خانه را افزایش می دهد (مانند منطقه بندی عملکردی که خانه، خدمات و مشاغل را از هم جدا می سازد، طراحی های واحد همسایگی که در طراحی شان، از زنان حمایتی نمی کند) (۳۰۰)

جدول شماره ۴: محدودیت زنان در استفاده از فضای عمومی، (مأخذ: Day, K, 2000)

از منظر گروه های خاص اجتماعی (زنان) است. از آنجا که سنجش این امر، به راحتی امکان پذیر نبوده، تلاش گردید با مرور ادبیات جهانی مرتبط با فضاهای عمومی شهری و با استفاده از تحقیقات صورت گرفته، شاخص ها و مؤلفه های اساسی سنجش فضا از منظر گروه های خاص استخراج گردد. لذا برای سنجش این مهم در یک فضای عمومی شهری از تکنیک شاخص ساز استفاده گردید. در این تکنیک، با توجه به مباحث و معیارهای عنوان شده در مباحث قبلی و افزودن چند معیار (با توجه به ویژگی های فرهنگی پاسخگویان در جامعه ما)، شاخص هایی جهت سنجش مطلوبیت فضای عمومی شهری در نظر گرفته شد؛ با استفاده از پرسشنامه سؤالاتی برای سنجش معیارها و رابطه آنها با مطلوبیت نهایی مطرح گردید و از تعدادی از بانوان حاضر در فضای عمومی شهری خواسته شد تا به این سؤالات پاسخ گویند. پرسشنامه ها بر اساس زمان های متفاوت استفاده بانوان از فضای عمومی شهری با انتخاب نمونه ها و به صورت تصادفی سیستماتیک تکمیل گردیدند.

برای سنجش میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری مورد پژوهش از منظر زنان، با توجه به مطالعات پایه نظریه و استناد به تجارب مشابه، مطلوبیت به صورت تابعی از امنیت و آزادی حرکت، تعامل اجتماعی، مسایل کالبدی (ابعاد طراحی و معماری)، هویت و تصویر میدان، دسترسی، راحتی و منظر، استفاده و فعالیت ها، اجتماع پذیری و تمایل به مشارکت در نظر گرفته شد. سپس به منظور تحلیل آماری نتایج، پاسخ های آنان با مقیاس طیف لیکرت ۵ گزینه ای (اصلاً تا بسیار زیاد)، سنجیده شد. متغیرهای سنجش در دو دسته شامل: متغیر مستقل (سن، تحصیلات، امنیت، تعامل اجتماعی و ...) و متغیر وابسته (میزان مطلوبیت) برای سنجش رابطه مد نظر قرار گرفت.

۶. محدوده مطالعاتی (میدان نبوت تهران)

میدان نبوت در منطقه ۸ شهرداری تهران قرار دارد. این منطقه در بخش شرقی تهران، با جمعیت ۳۸۰ هزار نفر و مساحت ۱۳،۳۰۹/۲ هکتار واقع شده و در شرق تهران مابین دو محور مهم شرقی- غربی تهران (خیابان دماوند و رسالت) قرار گرفته است. از سمت شمال و شمال شرقی به منطقه ۴، از جنوب به منطقه ۱۳ و از سمت غرب به منطقه ۷ محدود می شود. بارزترین مشخصه منطقه از دیدگاه کاربری اراضی، نسبت ۵۰ درصدی (۴۹/۸۶٪) بخش مسکونی به نسبت ۲۶٪ کل شهر است که کاملاً نشان می دهد منطقه، عمدتاً منطقه ای مسکونی است. از خصوصیات مهم منطقه ۸ بافت تاریخی نارمک در

حد فاصل خیابان رسالت در شمال، خیابان دردشت در شرق، ۴۵ متری آغاز (شهید ثانی) در جنوب و خیابان شهید مدنی در غرب است. این منطقه دارای فضاهای بسیار مناسب اجتماعی- فرهنگی در مرکز محله‌های نارمک به صورت فضاهای باز بوده (که اغلب درختکاری و سبز شده‌اند) و محل تجمع خانواده‌های محله و پایگاه بسیار مهمی برای همکاری با شورایی‌های محلات است.

میدان هفت‌حوض در سال ۱۳۳۲ در انتهای مسیری تجاری معروف به ۳۰ متری نارمک ساخته شد. وجه تسمیۀ این میدان وجود هفت عدد حوض است که درون فضای سبز این میدان قرار گرفته و با ریزش آبشاری درون یکدیگر به این میدان جلوه ویژه‌ای بخشیده است. این میدان به دلیل موقعیت خود در منطقه، به زودی به عنوان میدانی مهم مطرح شد و نقشی اجتماعی و تجاری پیدا کرد.

میدان هفت‌حوض از لحاظ اجتماعی دارای بافتی منسجم و ریشه‌دار است. این میدان فضایی تقریباً مستطیل‌شکل است به ابعاد حدودی ۲۸۴×۹۴ متر، که در جهت شمال- جنوب قرار گرفته است. قرارگرفتن کاربری‌های تجاری بسیار در دور و مجاورت میدان نبوت باعث شده که این میدان به عنوان یکی از مراکز تجاری عمده در منطقه ۸ محسوب گردد و مردم منطقه جهت تأمین پاره‌ای از نیازهای خود، همواره به این میدان مراجعه نمایند. از طرفی به دلیل وجود کاربری‌های خاص اطراف میدان نظیر: مسجد و کلانتری (که به نوعی باعث ایجاد امنیت می‌شود)، افراد مراجعه‌کننده به این مکان، علی‌الخصوص بانوان- به تنهایی و یا همراه با کودکان خردسال خود- هنگام حضور در این فضا، امنیت بیشتری احساس می‌کنند.

از لحاظ ترافیکی نیز این میدان دارای نقش چندان مهمی نبوده و هیچ‌گونه شریان اصلی از آن عبور نمی‌کند و حتی خیابان‌های عبوری موجود نیز به علت تردد زیاد پیاده، خاصیت عبوری سریع خود را از دست داده‌اند و بدین ترتیب سواره‌ها در گذر از آن مجبورند بیشتر احتیاط کنند. در ضلع شمال غربی میدان هفت‌حوض، «مسجد النبی» با معماری اسلامی و مناره‌های بلند قرار گرفته است. در میان میدان فضای سبز به همراه آبنماهای نواری موجود باعث شده تا مأمنی برای استراحت و تجمع اقشار مختلف نظیر سالمندان، کودکان، بانوان و جوانان در تمامی روزها، علی‌الخصوص ایام



تعطیل فراهم شود. این فضا، با بررسی اولیه صورت گرفته و در یک برداشت عمومی، به عنوان یکی از فضاهای عمومی شهری در نظر اهالی محل (و به ویژه زنان) محسوب شده و گویایی لازم را برای سنجش شاخص‌های مطلوبیت داراست.

۷. یافته‌های توصیفی و نتایج آماری

همان‌گونه که در روش‌شناسی تحقیق نیز اشاره شد اطلاعات مورد نیاز برای سنجش میزان مطلوبیت

فضای عمومی شهری مورد نظر از منظر زنان، از طریق تکمیل بالغ بر ۱۵۰ پرسشنامه میدانی فراهم گردید. تلاش گردید پرسشنامه‌ها ضمن پوشش کلیه گروه‌های سنی زنان، کلیه اوقات متفاوت روز و هفته را نیز پوشش دهد. ابتدا تعداد ۱۵ پرسشنامه مقدماتی تهیه و تکمیل گردید و سپس با انجام اصلاحات لازم، پرسشگری نهایی در این فضای عمومی شهری صورت گرفت. میانگین سن بانوان مصاحبه‌شونده ۲۹/۲۴ سال بود (حداقل ۱۲ و حداکثر ۷۰ سال) که ۶۷/۷٪ آنها مجرد و ۸۴/۵٪ دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بودند. میانگین مدت اقامت گروه پرسش‌شونده در تهران ۲۶ سال، میانگین مدت اقامت آنها در محلات نزدیک میدان ۱۹/۳۸ سال و میانگین مسافت طی شده آنها از منزل تا میدان برابر با ۱،۸۱۳/۱۵ متر می‌باشد.

با توجه به تعاریف ارائه شده از انواع فعالیت‌های صورت پذیرفته در فضاهای عمومی شهری (بخش میانی نظری)، سؤالاتی به‌منظور سنجش اهمیت انواع فعالیت‌های غالب در این فضا طرح گردید و از بانوان خواسته شد تا هدف خود را از حضور در میدان مشخص سازند. تحلیل پاسخ‌ها حاکی از آن است که بیش از ۵۰٪ افراد مصاحبه‌شونده از این فضا در جهت فعالیت‌های گزینشی و انتخابی استفاده می‌کنند؛ بدین معنا که ۶۳/۶٪ افراد برای خرید غیرضروری (مواردی که جزء نیازهای اولیه زندگی انسان‌ها نیست)، ۵۰/۵٪ افراد برای قدم‌زدن و ۵۱/۵٪ جهت گذران اوقات فراغت به این مکان مراجعه می‌کردند (جدول شماره ۵). این امر نشان می‌دهد که می‌توان محدوده میدان نبوت را به‌عنوان یکی از فضاهای عمومی شهری محسوب کرد. این در حالی است که فضاهای عمومی رقیب نیز در فاصله نسبتاً کم از این محدوده (حدود ۳ کیلومتری) وجود داشته است.

نوع فعالیت	% بلی	% خیر
فعالیت‌های ضروری و با اهمیت		
کار	۱	۹۹
تحصیل	۳	۹۷
فعالیت‌های گزینشی و انتخابی		
خرید	۶۳/۶	۳۶/۴
قدم زدن	۵۰/۵	۴۹/۵
گذران اوقات فراغت	۵۱/۵	۴۸/۵
فعالیت‌های اجتماعی		
ملاقات دوستان	۲۳/۲	۷۶/۸
رفتن به سایر مکان‌ها	۲۱/۲	۷۸/۸
سایر	۷/۱	۹۲/۹

جدول شماره ۵: بررسی فعالیت‌های صورت پذیرفته بانوان در میدان هفت حوض

نتایج حاصله همچنین نشان می‌دهد این مکان محل ایده‌آلی جهت ملاقات دوستان و یا انجام فعالیت‌های اجتماعی نیست و افراد ترجیح نمی‌دهند رفتارهای مناسب با این فعالیت را در این فضا انجام دهند. این امر خود می‌تواند در قالب علل مختلف نظیر فقدان تجهیزات و تسهیلات عمومی در این فضا تبیین شود. متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، مسافت و مدت اقامت در محلات، مستقل از سطح مطلوبیت بوده و شاخص آماری همبستگی مشخصی برای آنها نشان نمی‌دهد و لذا اثری بر میزان مطلوبیت فضا از منظر زنان در این محدوده ندارد. به عبارتی نمی‌توان گفت که فرضاً با

افزایش یا کاهش سن و دیگر متغیرهای ذکر شده، میزان مطلوبیت فضا کاهش و یا افزایش می‌یابد. از طرفی مطلوبیت این میدان، با سایر شاخص‌ها مانند تعامل اجتماعی، امنیت و آزادی حرکت، دسترسی، طراحی، هویت، نظارت اجتماعی، تمایل به مشارکت، راحتی و منظر، اجتماع‌پذیری، استفاده و فعالیت‌ها رابطه داشته و مستقل از آنها نیست. تحلیل آماری نشان می‌دهد که این رابطه از نوع خطی و مثبت است، به عبارتی با افزایش یا کاهش هر کدام از این شاخص‌ها، میزان مطلوبیت فضا از منظر زنان افزایش و یا کاهش می‌یابد. از نظر اکثر بانوان استفاده‌کننده از فضا، این میدان مطلوبیت زیادی داشته و ۵۳٪ آنها حاضر به استفاده از فضای دیگری که مشابه این میدان باشد، نبوده و ترجیح می‌دادند که از این میدان استفاده کنند، که این نکته خود جالب توجه به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در جدول ۴ نیز ملاحظه شد یکی از ویژگی‌های زنان ایجادکنش اجتماعی در فضای مورد استفاده آنهاست که در این محدوده هم می‌توان این عامل را مؤثر دانست. بر حسب مشاهدات، بانوان فعالیت‌های گوناگونی را در ساعات مختلف شبانه‌روز در این میدان انجام می‌دادند؛ به‌عنوان مثال، این میدان صبح‌ها محلی است برای انجام فعالیت‌های ورزشی زیر نظر مربیان، ظهرها مکانی است برای غذا خوردن و عصرها فضایی است برای ایجاد تعاملات اجتماعی، خرید، استراحت و سایر فعالیت‌های اجتماعی دیگر.

تحلیل‌های آماری (جدول شماره ۷)

به‌خوبی نشان می‌دهد که میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری با متغیرهایی نظیر سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، مسافت محل سکونت تا میدان و حتی تعداد دفعات حضور آنها در آن رابطه معنی‌داری را نشان نمی‌دهد

تحلیل متغیرها به‌طور خلاصه

متغیر	آزمون Sig.(2-tailed)	Correlation Coefficient
سن	۰/۱۷۲	بدون معنی
سطح تحصیلات	۰/۳۴۱	بدون معنی
وضعیت تأهل	۰/۱۹۴	بدون معنی
مسافت محل سکونت تا میدان	۰/۹۰۴	بدون معنی
تعداد دفعات حضور	۰/۹۹۳	بدون معنی

جدول شماره ۷: نمایش نتایج آماری

تحلیل شاخص‌ها به‌طور خلاصه

شاخص	آزمون Sig.(2-tailed)	Correlation Coefficient
تعامل اجتماعی	۰/۰۰۷	۰/۱۷۹
امنیت و آزادی حرکت	۰/۰۴۲	۰/۳۱۵
دسترسی	۰/۰۰۵	۰/۱۸۸
طراحی	۰/۰۰۴	۰/۳۶۳
هویت	۰/۰۰۰	۰/۳۹۹
نظارت اجتماعی	۰/۰۰۱	۰/۴۵۴
تمایل به مشارکت	۰/۰۰۶	۰/۲۷۶
راحتی و منظر	۰/۰۰۲	۰/۳۱۱
استفاده و فعالیت‌ها	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲
اجتماعی‌پذیری	۰/۰۰۰	۰/۴۹۹

جدول شماره ۶: نمایش نتایج آماری

و مستقل از آن است. به‌عبارت دیگر مقدار P-Value آنها بیش از ۰/۰۵ است و فاقد معنی‌داری آماری جهت وجود رابطه است. شاید این نکته بتواند در قالب توجه عمومی به عوامل انسانی مد نظر زنان تحلیل شود که در تمام جامعه آماری مورد سنجش بصورت یکسان عنوان شده است. اگر به جدول شماره ۶، که خلاصه شده ۱۰ جدول مورد سنجش است، دقت شود می‌توان دریافت که هرچند عواملی نظیر تعامل، نظارت، راحتی و ... با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری رابطه دارد ولی بیشترین ارتباط مربوط به امنیت موجود در فضای عمومی شهری است که با ۰/۰۴۲ رابطه معنی‌داری را بیان می‌کند.

جدول شماره ۸ و ۹ این رابطه را به صورتی گویاتر در دو متغیر اثرگذار بر مطلوبیت فضای عمومی نشان می‌دهد. عوامل دیگر نظیر خصیصه‌های راحتی و منظر و نظارت اجتماعی در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. جالب توجه است که توجه زنان به مقوله امنیت فضا و ضرورت ارتقاء نظارت‌های اجتماعی در آن، در تئوری‌های جدید کیفیت فضای عمومی و اندیشه‌های افرادی نظیر جیکوب نیز مورد تأکید قرار گرفته است و لذا می‌توان آن را به عنوان یک متغیر کلیدی به الگوهای آتی برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری کشور نیز تعمیم داد.

Chi-Square Tests

	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)	.Exact Sig. (2-sided)	.Exact Sig. (1-sided)
Pearson Chi-Square	26/987	16	0/042		
Likelihood Ratio	26/695	16	0/045		
Fisher's Exact Test					
Linear-by-Linear Association	10/693	1	0/001		
N of Valid Cases	99		99		

جدول شماره ۸: بررسی رابطه بین امنیت اجتماعی در فضای عمومی شهری و میزان مطلوبیت آن از منظر زنان

Chi-Square Tests

	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)	.Exact Sig. (2-sided)	.Exact Sig. (1-sided)
Pearson Chi-Square	25/104	0/014	0/014		
Likelihood Ratio	27/173	0/007	0/007	0/005	
Fisher's Exact Test	24/727			0/004	
Linear-by-Linear Association	10/271	0/001	0/001	0/001	0/001
N of Valid Cases	98				

جدول شماره ۹: بررسی رابطه بین طراحی محدوده مطالعاتی و میزان مطلوبیت آن از منظر زنان

۸. نتیجه‌گیری

هرچند تحقیقات متعددی در مورد نیازهای خاص سالمندان، معلولان و کودکان در فضاهای عمومی شهری صورت پذیرفته، ولی به نظر می‌رسد به نیازهای فیزیکی و روحی بانوان، علی‌رغم اهمیت آن، کمتر پرداخته شده است.... با توجه به مفهوم و ویژگی اشاره شده در مبانی نظری مقاله به ماهیت فضای عمومی شهری، که در آن بخشی از شرایط ایجاد آرامش و آسایش اجتماعی در

شهرها در چارچوب چگونگی تعامل بین شهر، شهروند و فضاهای عمومی شهری تعریف می‌شود (از تماس‌های لذت‌بخش و خشنودکننده بین شهر زنده و فضای کارا با شهروند گرفته تا ذهنیت خاطره‌انگیز و دوست‌داشتنی ساکنین شهر از موقعیت‌ها و مکان‌های شهری) می‌توان ادعا کرد که فضای عمومی شهری با هویت، خوانا و پویا حس تعلق خاطر را در همه اعضای جامعه تقویت نموده و خاطره‌ها را با مکان‌هایی که در آن حادثه‌ها و واقعه‌ها رخ داده‌اند، گره می‌زند. لذا باید زمینه حضور افراد در فضاهای متناسب عمومی شهری را فراهم ساخت. در تحقیق حاضر نتایج زیر حاصل گردید:

۱- افراد با خصوصیات مختلف شخصی (نظیر سن، سطح تحصیلات، مدت اقامت در تهران و یا فاصله از محدوده) به سؤالات مورد نظر به یک صورت پاسخ داده‌اند. به عبارتی خصوصیات استفاده‌کنندگان (تفاوت سنی یا سواد و یا مدت اقامت در تهران) به اندازه‌ای که خصوصیات فیزیکی و کارکردی فضاهای عمومی بر افراد استفاده‌کننده اثرگذار است و نتایج معناداری را نشان می‌دهد، بر مطلوبیت فضای عمومی اثرگذار نیست. هرچند باید این نکته در سایر فضاهای عمومی شهری و به‌ویژه با مخاطبین گسترده دیگر نیز مورد آزمون قرار گیرد، لیکن می‌توان چنین اظهار نظر کرد که گروه زنان، در جوه انسانی فضا، واکنش تقریباً یکسانی از خود بروز داده‌اند. با آزمون‌های اعمال شده بر نتایج، اختلافات حاصله معنی‌دار نیست.

۲- می‌توان ادعا کرد که شاخص‌های تعیین شده مانند: امنیت، نظارت اجتماعی، استفاده و فعالیت‌ها، تعامل اجتماعی، دسترسی، طراحی و مسایل کالبدی، هویت، تمایل به مشارکت، راحتی و منظر و اجتماع‌پذیری به‌طور مستقیم بر مطلوبیت فضای عمومی شهری از منظر زنان اثرگذار است. هر چند دامنه تأثیر این عوامل متفاوت است لیکن دارای رابطه معنی‌داری با میزان مطلوبیت از فضای عمومی شهری است. نکته جالب اخذ شده از مطالعات میدانی، تفاوت عناصر اجتماعی حاکم بر فضای عمومی شهری به نسبت عناصر فیزیکی آن است که نشان می‌دهد بانوان به فضای احساسی/اجتماعی محدوده مطالعاتی، به مراتب تعلق خاطر بیشتری دارند و آن‌را در ارتقاء مطلوبیت محیط مورد استفاده مؤثرتر می‌دانند تا کالبد فضا، که برگرفته از عناصر فیزیکی است. هرچند نمی‌توان تأثیر عناصر فیزیکی را بر ادراک حسی فضای عمومی منکر شد لیکن می‌توان تفاوت ادراک بصری و اهمیت عناصر بین گروه‌های مصرف‌کننده عام را در یک فضای عمومی شهری یادآور گردید و طراحان و برنامه‌ریزان را به سنجش متناسب آن حساس نمود.

۳- نکته با اهمیت دیگر این‌که نوعی تعلق خاطر اجتماعی بین زنان و فضای عمومی شهری مورد استفاده ایجاد شده بود که اکثر آنها، در مقام پاسخ نسبت به تجارب قبلی خود، تمایل به استفاده از این فضای عمومی شهری را داشتند. از این نکته می‌توان در جهت یکپارچگی فضای اجتماعی شهر از طریق همساز کردن مردم برای حضور مستمر در یک فضای طراحی شده عمومی، استفاده کرد.

۴- نتایج همچنین نشان داد که از نظر بانوان استفاده‌کننده از این فضا، امنیت شاخص قطعی و معنادار با میزان مطلوبیت عمومی فضا بوده و نظارت مستمر در فضای عمومی در بهبود کمیت و میزان استفاده از این فضا مؤثر است. این امر با قرار دادن عناصر تضمین‌کننده امنیت در فضای عمومی نظیر: دید و حضور مستمر گروه‌های مختلف اجتماعی، نصب علائم، نورپردازی، نصب کیوسک‌های ایمنی و یا برداشتن موانع آزاردهنده در این زمینه قابل تحقق است.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. Participatory Landscapes
2. accessible
3. activities
4. comfortable
5. sociable

۶ - گفته شده است که محیط اجتماعی دسترسی به فضاهای عمومی را هم تسهیل می‌کند و هم محدود می‌نماید، به طوری که این محدودیت‌ها، حتی اگر دسترسی‌ها فراهم باشد، بر درجه تعاملات اجتماعی که در حوزه عمومی رخ می‌دهد اثر می‌گذارند. (Talen 2000)

7. node
8. dispersion
9. dispersed spaces
10. concentrated spaces
11. congestion levels
12. aesthetic consideration
13. comfort
14. maintenance
15. non-sexist

۱۰. فهرست منابع

- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی (۱۳۸۱): "سالنندان و ضرورت آمایش فضاهای شهری"، همایش بین المللی سالنندان، دانشکده بهزیستی و توانبخشی.

- Bertolini, L and Djist, M (2003) *Mobility environments and network cities*. Journal of urban design 8 (1), 27-43.
- Bondi, L, & Peak, L. (1998). *Gender and the city: urban politics revisited*. In J. Little, L. Peake, & P. Ricardson, (Eds), *Women in Cities*. Gender and the Urban Environment. London: Mcmillan Education, pp.21-40.
- Borja, J and Muxi, Z (2001) *Espay Public; Ciutat | Ciutadania*. Diputacio be Bcelona, Barcelona.
- Braza M (2003) *Parks, Community Gardens, and Open Space in Urban Neighbourhoods*; in: www.neighbourhoodcoalition.org/
- Chelkoff, G and Thibaud, JP (1992,1993) *L'espace Public, Modes Sensible. Les Annales de la Recherche Urbanie* 57-58, 7-16.
- Crawford, D. W. & Godbey, G. (1987). *Reconceptualizing barriers to family leisure*

- behavior*. Leisure Studies 2,119-127.
- Day, K (2000). *The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space*. Journal of Environmental Psychology. 103-124.
 - Duffy, B (2003) *Quality of Life. Landscape Design* .318, 37-40.
 - Erkip, F (1997) *The distribution of urban public services: the case of parks and recreational services in Ankara*. Cities 14(6), 353-361.
 - Francis, M (1989) *Control As a Dimension of Public Space Quality*. In *Public Places and Spaces*. (eds.) I Altman, EH Zube, pp. 147-172. Plenum Press, New York.
 - Gehl, Jan, (1987), *"Life between Buildings"*, van Nostrand Reinhold.
 - Golany G., (1996), *"Geo-Space urban design"*, John Wiley and son, New York.
 - Goodmann, W (1968) *Principles and Practice of urban Planning*. International City Managers Association, Washington.
 - Greed, C (1996) *Promise or progress: women and planning*. Built Environment 22(1) 9-21.
 - Hayden, D (2000) *What would a non-sexiest city be like? Speculations on housing, urban design, and human work*. In *The City Reader*. (ed.) CR Stimpson, (ed.) R T Legates, F Stout, Group not defined, pp. 503-518. Routledge, London.
 - Harty H P and Dunn D R (1971) *Measuring the Effectiveness of Local Government services*. Wiley, West Sussex.
 - Hern'andez-Pezzi, C (1998) *La ludad Compartida. El G'enero de la Aritectura*. Consejo Suerior de los Colegios de Arquitectos de Espana, Madrid.
 - Hernik, P (2003) *The Excellence City Park System: What Makes it Great and How to Get There*. The Trust for Public Land Pub, Washington, DC.
 - Hines (2001) *Online American Society of Landscape Architects Newsletter*.
 - Lau, J C Y and Chiu, C C H (2003) *Accessibility of low-income workers in Hong Kong*. Cities 20 (3), 197-204.
 - Madanipour, A (1992) *Design of Urban Space: An Inguiry into a Socio-Spatial Process*. Wiley, West Sussex.
 - Massam B (1975) *Location and Space in Social Administration*, John Wiley and son, New York
 - McDowell, L (2000) *G'enero, Identidad y Lugar*. C'atedra, Valencia
 - Massam B (1975) *Location and Space in Social Administration*. John Wiley and son, New York
 - Pain, RH (1997) *Social geography of women's fear of crime*. Transactions of the Institute of British Geographers 22, 231-244.
 - Pasaogullari, N; Doratli, N (2004). *Measuring accessibility and utilization of public spaces in Famagusta*. Cities, Vol. 21, No. 3, p. 225-232.

ART UNIVERSITY E-Journals
www.art.ac.ir

- Rogers, R (1998) *Ciutats Per Viure-hi: la importancia de l'espai public a les ciutats del future. In Els Carrare de la Democracia. L' espai Public de les Noves Ciutats.* pp29-37. Diputacio de Barcelona, Barcelona.
- Rogers, W (2003) *The excellent city park system. In What Makes it Great and how to Get There,* (ed) P Harnik. *The Trust for Public Land*; Pub, Washington, DC.
- Sandercock, L and Forsyth, A (2000) *A gender agenda: new directions for planning theory. In The City Reader.* (eds.) RT Sout, F Sout, Group not defined. Pp.446-459. Routledge, London.
- Talen, E (2000) *Measuring the public realm: a preliminary assessment of the community.* Journal of Architectural and Planning Research 17(4), 344-359.
- Valentine, G (1989) *The geography of women's fear.* Area 21, 385-390
- Walzer, M (1986) *Pleasures and Costs of Urbanity.* Dissent 33(4)470-475.
- Whyte, HW (2000) *How to Turn a Place Around.* Projects for Public Spaces Inc.